

بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان

هند مستقر شدند و خود را آریایی نامیدند. بنابر این، کاربرد واژه آریایی برای دیگر اقوام هند و اروپایی زبان، به جز ایرانیان و هندیان درست نیست.

پژوهشگران در باره مسکن اولیه اقوام هند و اروپایی و زمان و مسیر مهاجرت آریاییان به ایران و هندوستان اتفاق نظر ندارند؛ اغلب این پژوهشگران احتمال می‌دهند که اقوام هند و اروپایی نخست در علفزارهای واقع شمال شرق فلات ایران و جنوب روسیه در حوالی دریاچه اورال می‌زیسته‌اند. بر اساس فرضیه‌ای که مورد قبول تعداد قابل توجهی از باستان‌شناسان و مورخان قرار گرفته، اقوام آریایی در حدود ۱۵۰۰ ق.م وارد فلات ایران شدند. گروهی از آنان به سمت مرکز و غرب این فلات پیشروی کردند و در مناطق مختلف آن مستقر شدند؛ مادها، پارس‌ها و پارت‌ها از جمله آنان بودند. گروهی دیگری نیز از شرق فلات ایران به هندوستان رفتند.

مهاجرت اقوام آریایی به فلات ایران نقطه عطفی در تاریخ میهن عزیز ما به‌شمار می‌رود. این اقوام پس از استقرار در ایران، به تدریج قدرت را به دست گرفتند و حکومت‌های نیرومندی را تأسیس کردند. این حکومت‌ها موجب تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای نه تنها در ایران، بلکه در بخش وسیعی از جهان آن روز شدند. شما در این درس، در باره مهم‌ترین تغییر و تحولات سیاسی تاریخ ایران از مهاجرت آریاییان تا سقوط امپراتوری هخامنشیان، مطالعه و کاوش خواهید کرد.

اقوام آریایی از مهاجرت تا تشکیل حکومت در ایران

نام ایران از واژه آریایی گرفته شده است و به معنی سرزمین آریاییان است. آریایی نیز به معنی شریف، آزاده و نجیب‌زاده است؛ پس ایران یعنی سرزمین آزادگان. آریاییان گروهی از اقوام هند و اروپایی‌زبان بودند که از زمان‌های بسیار کهن و به تدریج در فلات ایران و شبه‌قاره

نمودار خط زمان رویدادها و تحولات مهم تاریخی از مهاجرت اقوام آریایی تا پایان حکومت هخامنشیان

مادها، نخستین حکومت آریایی ایران

در درس ۷ خواندید که ایرانیان از دوران باستان تا دو قرن پیش، پیشدادیان و کیانیان را به ترتیب نخستین و دومین سلسله پادشاهی می‌دانستند که پیش از اشکانیان و ساسانیان بر ایران حکومت کرده بودند، و اطلاعی از مادها و هخامنشیان نداشتند. تحقیقات جدید تاریخی که در دوپست سال اخیر انجام گرفته، آگاهی و شناخت نسبت به تاریخ ایران در دوران باستان را متحول کرده است. بر پایه این تحقیقات مادها بنیانگذار نخستین حکومت آریایی در ایران شناخته می‌شوند.

تأسیس حکومت ماد: قبایل گوناگون ماد از جمله اقوام آریایی بودند که در بخش وسیعی از مناطق غربی و مرکزی ایران استقرار یافتند و در کنار بومیان ساکن این مناطق به زندگی پرداختند. برای اولین بار در قرن ۹ ق.م در سالنامه‌های شاهان آشوری به مادها اشاره شده است. آشور در آن زمان حکومت نسبتاً نیرومندی در شمال میان‌رودان بود که برای به دست آوردن فلزات، سنگ‌های قیمتی و غنائم دیگر، دائماً به سرزمین‌های همسایه از جمله نواحی

غربی ایران هجوم می‌آورد. یورش‌ها و غارت‌گری‌های پیاپی آشوریان، زمینه اتحاد قبایل پراکنده ماد را فراهم آورد. از این‌رو، رؤسای این قبایل یکی از بزرگان ماد به نام دَهِیوِک (پانویس: معمولاً نام او را به اشتباه دیاوکو یا دیاکو می‌نویسند) را به پادشاهی برگزیدند. دَهِیوِک شهر هگمتانه یا اکباتان (همدان امروزی) را بنا کرد و مرکز حکومت خود قرار داد.

نقشه قلمرو حکومت ماد

نمودار خط زمان رویدادها و تحولات مهم تاریخی از مهاجرت اقوام آریایی تا پایان حکومت هخامنشیان

سقوط حکومت ماد: آستیاگ پسر و جانشین هُوخْشْتَر، لیاقت و درایت پدر را نداشت. او دوران طولانی سلطنت خود را صرف تجملات و گردآوری ثروت کرد. بزرگان طوایف ماد و توده مردم که از عملکرد آستیاگ ناخشنود بودند، علیه او با کورش هخامنشی همدست شدند. سرانجام با فتح هگمتانه توسط کورش، حکومت ماد برافتاد.

ماد در اوج قدرت: حکومت ماد در زمان هُوخْشْتَر، سومین پادشاه مادی به اوج قدرت رسید. این فرمانروا نخست با تشکیل سپاه منظم و کارآمدی از قبایل مختلف ماد، پارس و ...، قدرت خود را بر مناطق وسیعی از ایران تثبیت کرد. او سپس با حکومت بابل علیه آشور متحد شد و به حاکمیت آشوریان پایان داد. در پی این موفقیت نظامی، قلمرو ماد به شمال میان‌رودان و بخش‌های وسیعی از آسیای صغیر گسترش یافت.

هخامنشیان؛ بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان

بخش قطعه صوتی در باره آغاز سرگذشت کورش بزرگ بنا بر روایت‌های افسانه‌ای از کتاب هزاره‌های گمشده، ج ۲، ص ۸۵

(آنزان)، حکومت محلی کوچکی تشکیل داده بودند. تأسیس حکومت هخامنشی توسط کشورگشای خوش‌نام: یکی از نوادگان هخامنش، به نام کوروش (کوروش دوم، معروف به کبیر)، که بر انشان حکومت می‌کرد، قبیله‌های پارسی را که از سلطه مادها ناراضی بودند، متحد کرد. کورش، سپس با جلب حمایت بزرگان ماد، آستیاگ را از میان برداشت و پادشاهی هخامنشیان را بنیان نهاد.

سلسله هخامنشیان منسوب به هخامنش، جد کورش کبیر است. هخامنش رئیس قبیله پاسارگاد بود. این قبیله یکی از قبایل مهم قوم پارس به شمار می‌رفت. پارس‌ها، هم‌زمان با قدرت یافتن مادها، در قسمت‌های جنوبی فلات ایران یعنی سرزمین پارس (استان فارس کنونی) و نواحی مجاور آن مستقر بودند. حکومت ماد، قوم بزرگ پارس را تحت فرمان خود درآورد. در آن زمان دو شاخه از خاندان هخامنشی، یکی در فارس و دیگری در انشان

بررسی شواهد و مدارک؛

شجره‌نامه کورش به نقل از منشور وی

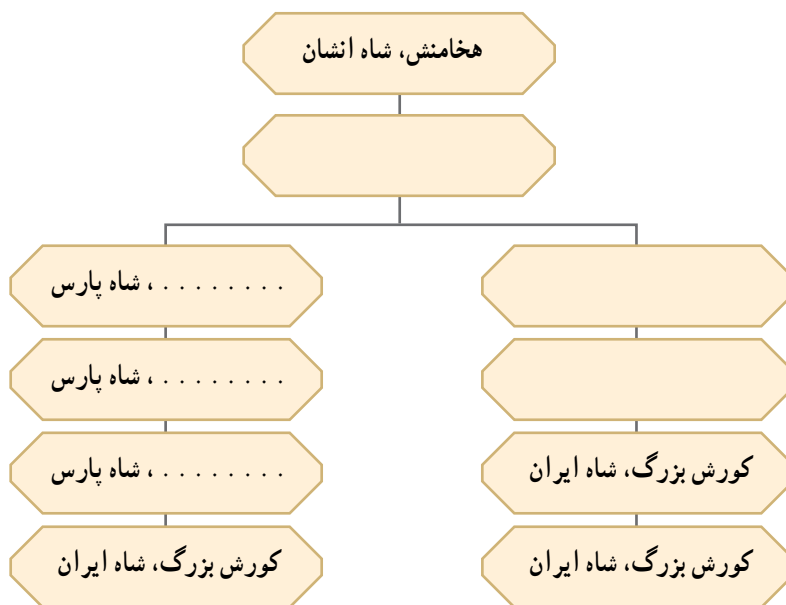
... سطر ۲۰. منم کورش، شاه بزرگ، شاه توانمند، شاه بابل، شاه سومر و آکد، شاه چهارگوشه جهان؛ سطر ۲۱. پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه انشان، نوه کورش (یکم)، شاه بزرگ، شاه انشان، نبیره چیش‌بیش، شاه بزرگ، شاه انشان، در فضای بالای سر داریوش بزرگ در سنگ‌نوشته بیستون، داریوش اجداد خود را این گونه معرفی می‌نماید:

سطر ۲: داریوش شاه می‌گوید: پدر من ویشتاسب، پدر ویشتاسب آرشام، پدر آرشام، آریامن، پدر آریامن چیش‌بیش، پدر چیش‌بیش، هخامنش است. سطر ۳. داریوش شاه می‌گوید: بدین جهت ما هخامنشی خوانده می‌شویم که از دیرگاهان اصیل هستیم. تصویر سنگ‌نوشته بیستون

تصویری از منشور کورش

تصویر سنگ‌نوشته بیستون

با توجه به متن‌های فوق، شجره‌نامه کورش و داریوش هخامنشی را کامل کنید.



داشتن بناها و پرستشگاه‌های باشکوه، مراکز اقتصادی ثروتمند، نهادهای سیاسی و اداری متعدد و در اختیار داشتن راه‌های ارتباطی با سرزمین‌های دور و نزدیک، اهمیت فراوان داشت و تسلط بر آن برای هر فرمانروایی بسیار مهم بود.

کوروش فرمان داد تا ماجرای فتح صلح‌آمیز بابل را بر لوحی استوانه‌ای از گِل رُس به زبان بابلی بنویسند. این لوح که در سال ۱۸۷۹م/ ۱۲۵۸ش در بابل کشف شده و هم اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود، به «بیانیه یا منشور بابلی کورش» معروف است. بیانیه یا منشور کورش، سمبل و نشانی از فرهنگ انسانی و مداراجویانه ایرانیان است. بسیاری از محققان منشور کورش را نخستین منشور حقوق بشر می‌دانند. از این رو، متن این استوانه توسط سازمان ملل متحد به شش زبان رسمی این نهاد جهانی ترجمه شد. نسخه بدلی از این منشور نیز در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به نمایش گذاشته شده است.

کوروش مدتی پس از به قدرت رسیدن، به آسیای صغیر لشکرکشی کرد و حکومت لیدی و سایر دولت‌شهرهای آن‌جا را شکست داد و شهر ثروتمند سارد، پایتخت لیدی و تمامی آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد. در نتیجه این فتوحات حکومت هخامنشیان به ثروت هنگفتی دست یافت و با دولت‌شهرهای یونانی همسایه شد. مؤسس سلسله هخامنشی پس از آن چند سالی در مناطق شرقی فلات ایران سرگرم شرقی ایران سرگرم کشورستانی بود و مناطق وسیعی را به قلمرو خود افزود.

یکی از انسانی‌ترین و شکوهمندترین فتوحات تاریخ جهان، فتح مسالمت‌آمیز بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ق.م است. در این سال کشورگشای هخامنشی بدون جنگ و خونریزی وارد بابل شد. بابل یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آن‌روزگار به شمار می‌رفت و مردمان و اقوامی با خاستگاه اجتماعی و فرهنگی گوناگون در آنجا می‌زیستند. این شهر از نظر

بررسی شواهد و مدارک

مقایسه اندیشه و رفتار دو کشورگشا: آشوربانیپال، فرمانروای آشور و کورُش بزرگ، پادشاه ایران
ترجمه بخشی از متن سنگ‌نوشته آشوربانیپال پس از فتح شوش، پایتخت ایلام:

«من، شوش، شهر بزرگ و مقدس را به خواست خدایان آشور گشودم. من وارد کاخ‌های معبد شوش شدم و هر آنچه از سیم و زر و مال فراوان بود، همه را به غنیمت برداشتم. من همه آجرهای زیگورات شوش را که با سنگ لاجورد تزئین شده بود، شکستم. من تمامی معابد ایلام را با خاک یکسان کردم، شهر شوش را به ویرانه‌ای تبدیل کردم و بر زمینش نمک پاشیدم. من همه دختران و زنان را به اسارت گرفتم. از این پس دیگر کسی، صدای شادی مردم و سم اسبان را در ایلام نخواهد شنید...»

ترجمه بخشی از متن منشور کورُش:

خط ۲۳. همه مردم گام‌های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک [خدای بزرگ بابل] دل‌های پاک مردم بابل را متوجه من کرد، زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.
خط ۲۴. ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.
خط ۲۵. وضع داخلی بابل و جایگاه‌های مقدسش قلب مرا تکان داد... من برای صلح کوشیدم. تبونید [شاه بابل]، مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود، کاری که در خورشان آنان نبود.
خط ۲۶. من برده داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند. مردوک از کردار نیک من خشنود شد.

فعالیت

متن‌های فوق را بخوانید و احساس و درک خود را از شخصیت و اندیشه آشوربانیپال و کورُش بزرگ در چند سطر بنویسید.

تصویر آرامگاه کورُش

در پی تسخیر بابل، تمامی میان‌رودان و نیز سرزمین‌های سوریه، فلسطین و فنیقیه (لبنان امروزی)، تحت فرمان هخامنشیان درآمد. کورُش نه تنها به عنوان یک جهانگشا و فتوحاتی که انجام داد، بلکه به خاطر شخصیت انسانی همواره مورد تحسین و تکریم بوده است. در روزگاری که قتل و غارت و کشتار، روش معمول فرمانروایان و فاتحان بود، کورُش با پرهیز از چنین رفتاری، شکل جدیدی از فرمانروایی را به جهان معرفی کرد. این رفتار مداراجویانه و انسانی کورُش، الگوی مناسبی شد که پس از او، برخی از شاهان هخامنشی نیز از آن پیروی کنند. در زمان پادشاهی کمبوجیه، پسر و جانشین کورُش بزرگ، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد. مصر کشوری بزرگ و با تمدنی کهن و باشکوه بود. با فتح این سرزمین قلمرو هخامنشیان به قاره آفریقا نیز گسترش یافت و به نهایت وسعت و عظمت خود رسید.

پاسارگاد پایتخت کورُش بود.

نقشه قلمرو امپراتوری هخامنشی در زمان داریوش بزرگ

انجام داد. در واقع داریوش، اصول و شیوه‌ای از کشورداری را بنیان نهاد که نه تنها در دوره هخامنشیان، بلکه تا قرن‌ها پس از آنها همچنان پا بر جا بود و زمینه رونق اقتصادی و شکوفایی تمدنی ایران را فراهم آورد. در درس‌های بعدی مهم‌ترین اقدامات و ابتکارات داریوش در زمینه‌های اداری، نظامی، عمرانی و اقتصادی، بررسی خواهد شد. به همین دلیل است که بسیاری از مورخان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی اعتقاد دارند که داریوش بزرگ، میراثی ماندگار از فرمانروایی همراه با درایت برای ایرانیان بر جا گذاشت.

تثبیت امپراتوری هخامنشیان: پس از مرگ مبهم کمبوجیه، داریوش یکم که از شاخه دیگر خاندان هخامنشی بود با همراهی تعدادی از سران خاندان‌های بزرگ پارسی، شورشیان و مدعیان قدرت را سرکوب کرد و بر تخت شاهی نشست. داریوش بزرگ پس از تثبیت قدرت خود بر سراسر امپراتوری، به هندوستان لشکرکشی کرد و سرزمین‌های غرب رود سند را ضمیمه قلمرو خود کرد.

اهمیت و شهرت فوق‌العاده داریوش بزرگ در تاریخ ایران به خاطر اقدامات اساسی و کم‌نظیری بود که برای ایجاد تشکیلات نوین اداری و نظامی و تأسیس نظام اجتماعی و اقتصادی کارآمد،

آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم

آژه را تصرف کردند و سپس سپاه ایران وارد خاک یونان شد و در جایی به نام ماراثن موضع گرفت. آتنی‌ها مدتی در اظهار اطاعت و یا جنگ تردید داشتند؛ بیشتر دولت‌شهرهای یونانی از جمله اسپارت که سربازانش به جنگاوری و دلاوری مشهور بودند، نیز در پشتیبانی از آتن تعلل می‌کردند. سرانجام، سرداران آتنی تنها راه چاره را در حمله سریع و جنگ تن به تن دیدند. یورش یونانیان به قدری ناگهانی بود که کاری از تیراندازان پارسی بر نیامد و سپاه ایران عقب‌نشینی کرد. مورخان یونان باستان و تاریخ‌دانان جدید اروپایی، جنگ ماراثن و پیروزی یونانیان را با آب و تاب فراوان نقل کرده‌اند.

رقابت و درگیری یونان با ایران : داریوش بزرگ در اواخر پادشاهی خود با دشواری‌هایی در غرب قلمرو خود رو به روشد که در نهایت به بروز جنگ با یونانیان انجامید که تاروزگار جانشینش، خشایارشا نیز ادامه یافت. دولت‌شهرهای یونانی، مخصوصاً آتن از تسلط ایران بر آسیای صغیر و سواحل شرقی دریای اژه ناخشنود بودند. از این‌رو، آتنی‌ها یکی از شهرهای یونانی‌نشین آسیای صغیر به نام میلِتوس (مَلَطِیَه) را تشویق به شورش علیه هخامنشیان کردند و سپس به همراه شورشیان به شهر سارد هجوم آورده، آنجا را آتش زدند. پادشاه هخامنشی تصمیم به تنبیه آتنی‌ها گرفت. ناوهای ایرانی نخست جزایر دریای

نقشه مسیرهای لشکرکشی و جنگ‌های یونان و ایران در زمان داریوش و خشایارشا

خشایارشا، پسر و جانشین داریوش، پس از فرونشاندن شورش‌های مصر و بابل، به یونان لشکر کشید و آتن را تصرف کرد، اما نیروی دریایی ایران در تنگه سالامیس شکست خورد و خسارت فراوان دید. یونانیان در باره پیروزی خود در این نبرد نیز گزافگویی‌های بسیار کردند و حتی ارقام باور نکردنی از تعداد ناوگان و سربازان هخامنشی ارائه نمودند.

فعالیت

با توجه به مطالبی که در درس ۶ راجع به دولت‌شهرهای یونانی خواندید، در باره علل و عوامل جنگ‌های یونان و ایران در دوره هخامنشیان با هم گفت و گو کنید.

اگرچه هخامنشیان از لشکرکشی به یونان، موفقیت نظامی چندانی به دست نیاوردند، اما دولت‌شهرهای یونانی تا زمان تسلط مقدونیان بر آن کشور، همچنان حکومت ایران را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهانی می‌شناختند و به آن احترام می‌گذاشتند. حکومت هخامنشی نیز نقش فعالی را در سیاست‌های داخلی و روابط دولت‌شهرهای یونانی به خصوص در جریان جنگ‌های پلوپونزی ایفا کرد.

بررسی شواهد و مدارک؛ اسلحه طلایی

«... در حالی که جنگ‌های پلوپونز [جنگ‌های داخلی یونان] به اوج شدت رسیده بود، اسپارت می‌کوشید تا برای از بین بردن حریف نیرومند خویش آن، از طلای داریوش [دوم] استفاده کند. اما داریوش که می‌دانست از طلاهای خویش چگونه باید همچون یک حربه سیاسی استفاده نماید. در عین حال می‌دانست که حفظ نوعی موازنه در بین حریفان جنگ پلوپونزی... برای ایران سودمندتر خواهد بود... از این رو،... طلای ایران را طوری به آنها می‌رسانید که جنگ به دراز کشد و غالب و مغلوبی معلوم نشود. حاصل این سیاست موازنه آن شد که اشتغال حریفان در منازعات پلوپونز به ایران فرصت داد تا شهرهای یونانی آسیای صغیر را دوباره به انقیاد خویش درآورد، پادگان‌های ایرانی را در آنجاها مستقر سازد و حتی مالیات‌های معوق را بازستاند.» (تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ص ۱۸۰-۱۸۱)

فعالیت

منظور نویسنده از اصطلاح اسلحه طلایی چیست؟
با وجودی که حکومت هخامنشیان در جنگ‌های پلوپونز از اسپارت در برابر آتن حمایت می‌کرد، اما به نظر شما چرا نمی‌خواست این جنگ غالب و مغلوبی داشته باشد؟

را تسخیر کرد. با وجود دلاوری و رشادت آریوبرزن، سردار شجاع ایرانی، سپاهیان مقدونی و یونانی به تخت جمشید رسیدند و مشهور است که به دستور اسکندر این شهر به آتش کشیده شد. داریوش سوم که از برابر اسکندر گریخته بود در سال ۳۳۰ ق.م نزدیک دامغان کنونی توسط اطرافیانش کشته شد.

سقوط هخامنشیان: در روزگار پادشاهی داریوش سوم هخامنشی، که اختلافات داخلی، سستی و کم توجهی به امور حکومت به اوج رسیده بود، اسکندر مقدونی، یونانیان و مقدونیان را علیه ایران بسیج کرد و به قلمرو هخامنشیان حمله کرد. اسکندر در سه نبرد (گرانیکوس، ایسوس، و گوگمل) سپاه هخامنشی را شکست داد و پس از آن، شوش، یکی از پایتخت‌های هخامنشیان

کاوش: با استفاده از جدول شاهان هخامنشی که دبیر محترم در اختیار شما قرار می‌دهد، نمودار خط زمان دوران هخامنشی را ترسیم نمایید.

میراث هخامنشی در یک نگاه کلی: با مرگ داریوش سوم، سلسله هخامنشی به پایان رسید، اما میراث و یادگارهای هخامنشیان در آیین‌های کشورداری و فنون سیاست، شیوه‌های عمرانی، اقتصادی و تجاری، ساخت بناهای باشکوه، ابداع هنرهای جهانی و مداراگری فرهنگی و دینی در تاریخ ایران و جهان فراموش نشد. هخامنشیان ایران را از یک سرزمین حاشیه‌ای به نخستین شاهنشاهی بزرگ جهانی تبدیل کردند. به واسطه تدبیر و سیاست هخامنشیان بود که ایرانیان به تأثیرگذارترین مردم در جهان متمدن و شناخته‌شده آن روزگار تبدیل شدند.

پرسش‌های نمونه

۱. معنای واژه آریایی چیست و به چه کسانی گفته می‌شد؟
۲. چه عاملی زمینه‌ساز اتحاد قبایل پراکنده ماد و تأسیس حکومت مادی شد؟
۳. فتح بابل برای حکومت تازه تأسیس هخامنشی چه اهمیت اساسی داشت؟
۴. چرا مورخان و پژوهشگران اهمیت فوق‌العاده‌ای به نقش و عملکرد داریوش بزرگ در تاریخ ایران، قائل هستند؟
۵. به نظر شما، ایران در دوران امپراتوری هخامنشیان، چه جایگاه سیاسی در جهان آن روز داشت؟